

سازوکارهای موفقیت در تبلیغ

سه سخنرانی از

آیت الله سید حسن فقیه امامی قدس سره

تهیه و تنظیم:

مهدی آقا بابایی

بسم الله الرحمن الرحیم

سازو کارهای موفقیت در تبلیغ ۲

نویسنده:

حسن فقیه امامی

ناشر چاپی:

عطرعترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

سازوکارهای موفقیت در تبلیغ

مشخصات کتاب

سرشناسه : فقیه امامی، حسن، ۱۳۱۳ -

عنوان و نام پدیدآور : سازوکارهای موفقیت در تبلیغ/ سیدحسن فقیه امامی.

مشخصات نشر : قم: عطر عترت، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۴۹ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۲۴۳-۱۵۱-۶ :

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : فقیه امامی، سیدحسن، ۱۳۱۳ - ۱۳۸۹. -- وعظ

موضوع : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.-- نقد و تفسیر

موضوع : اسلام -- تبلیغات

رده بندی کنگره : BP۱۱/۶۲/ف۷س۲ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۰۴۵

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۲۵۰۳۹

ص: ۱

اشاره

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

مقدمه

ص:۷

بسم الله الرحمن الرحیم

تبلیغ یعنی آشنا نمودن مردم با احکام اسلامی و معارف الهی و بشارت دادن مؤمنان و انذار و هشدار مخالفان است.

قرآن مجید جایگاه تبلیغ را تا آنجا بالا برده که هدایت یک نفر را با هدایت همه ی مردم برابر دانسته است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرمایند:

«اینکه خداوند یک نفر را به وسیله تو هدایت فرماید، برایت از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است». (بحارالانوار، ج۱، ص ۱۸۴)

مطالب که پیش رو پیرامون دو سخنرانی از استاد بزرگوار حوزه علمیه، فقیه و مجتهد والا مقام، معلم اخلاق، مرحوم آیت لله حاج سید حسن فقیه امامی (ره) در زمینه تبلیغ به نام های ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ و سرمشق های زنده تبلیغات و همچنین یک سخنرانی به نام رسالت علامه مجلسی (ره) در سایه سار ثقلین که در زمینه دفاع از علامه مجلسی (ره) می باشد.ان شاء الله توشه ای برای مبلغین بزرگوار در عرصه تبلیغ باشد.

ص:۸

در پایان از سرور گرامی حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج سید مهدی فقیه امامی (زیدعزه) که در بازخوانی مطالب ما را یاری نمودند کمال تشکر و امتنان را دارم.

مهدی آقابابایی

نیمه شعبان المعظم ۱۴۳۶ ق

اصفهان – حوزه علمیه ذوالفقار

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ

اشاره

ساز و کارهای موفقیت در تبلیغ(۱)

۱- این سخنرانی در تاریخ ۹/۴/۱۳۷۹ در مرکز آموزشهای تخصصی حوزه علمیه اصفهان،خطاب به روحانیون،طلاب و مبلغان ارجمند ایراد شده است.

ص:۹

اهمیت تبلیغ

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلاً مِمَّنْ دَعا إِلَی اللَّهِ وَ عَمِلَ صالِحاً...؛(۱) چه کسی از جهت گفتار بهتر است از کسی که به سوی خدا دعوت می کند و عمل صالح انجام می دهد...».

رکن اساسی دین تبلیغ است و هدف از بعثت انبیای الهی نیز جز این نیست.

خداوند استعدادهای فراوانی به انسان ها داده است. بعضی از این استعدادها در موجودات دیگر نیز به صورت محدود وجود دارد؛ اما در انسان به صورت بی نهایت موجود است. زمینه ی رشد در انسان ها فراوان بوده و از راه شکوفایی استعدادها که خود مبتنی بر تعلیم و تربیت و محیط مساعد و تلاش و کوشش است، می توان به مراحل عالی رشد و کمال دست یافت.

۱- فصلت/ ۳۳.

ص:۱۰

خداونـد متعال پیامبران خودش را یکی پس از دیگری برای همین هـدف فرسـتاده است. حضـرت امیرالمؤمنین (ع) در خطبه ی اول نهج البلاغه می فرماید:

وَ وَاتَرَ إِلَیْهِمْ أَنْبِیَاءَهُ لِیَسْتَأْدُوهُمْ مِیثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ یُذَکِّرُوهُمْ مَنْسِیَّ نِعْمَتِهِ وَ یَحْتَجُّوا عَلَیْهِمْ بِالتَّبْلِیغِ وَ یُثِیرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ ؛[خداوند متعال] پیامبرانش را پی در پی به سوی مردم می فرستاد تا عهـد و پیمان خداونـد را که جِبلّی آنان بود، بطلبنـد و به نعمت فراموش شـده (توحیـد فطری) یادآوریشـان کنـد و از راه تبلیغ بـا ایشـان گفت و گو نماینـد و عقـل هـای پنهـان شـده را بیرون آورده به کار اندازند.».

یکی از اهـداف فرسـتادن پیـامبران بر اسـاس این تعبیر حضـرت علی (ع) ، این است که دفینه هـا و ذخیره هـای مغزهـای انسان ها را استخراج کنند و استعدادهایشان را شکوفا سازند؛وپیامبران الهی چنین کردند.

پیامبر اسـلام (ص) در دوران جاهلیت اعراب به رسالت مبعوث شد. در دوران جاهلیت، مردم از نظر اعتقادی، اخلاقی و علمی بسیار عقب مانـده بودند و به برکت وجود پیامبر اکرم(ص) این مردم همه چیز پیدا کردند. هم از نظر فکری و هم در بعد تزکیه ی اخلاقی و نیز در بُعد اقتصادی تقویت شدند. آن ها مردمان منزوی بودند و به برکت پیامبر

ص:۱۱

اکرم (ص) کار به جایی رسید که تا قلب اروپا پیش رفتند و آن جا را فتح کردند.

وظیفه ی عالمان دین

وظیفه ی تبلیغ دین که بر دوش انبیای الهی نهاده شده بود، بعد از آن ها به علمای دینی واگذار شده است.

وظیفه ی پیامبران الهی انذار بود. خداوند متعال در اولین فرازهای وحی به پیامبرش خطاب کرده، می فرماید:

«یاأَیُّهَاالْمُدَّثِّر* قُمْ فَأَنْذِر(۱) ؛ ای جامه خواب به خود پیچیده! برخیز و انذار کن» و همین پُست را به ما داده است. آن جا که می فرماید:

«فَلَوْلانَفَرَمِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذارَجَعُوا إِلَیْهِمْ؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند؟»(۲)

البته انذار متفرع بر تفقه است.

۱- مدثر/ ۱و ۲.

۲- توبه /۱۱۲.

ص:۱۲

انسان باید خودش از نظر دانش دینی سرشار باشد تا بتواند دیگران را ارشاد و انذار کند.

شاعر چه زیبا سروده است:

ذات نایافته از هستی بخشکی تواند که شود هستی بخش.

تا خود انسان درایت و فقاهت دینی نداشته باشد، نمی تواند دیگران را به دین هدایت کند.

فقه در اینجـا، فقهِ به معنـای اعم است نه فقهِ به معنای علم به احکام. فقهی که صاحب معالم آن را به «الفقه هو العلم بالاحکام عن ادلتها التفصیلیه»(۱) تعریف می کرد، در این جـا منظور نیست. فقه به معنـای اعم عبـارتست از: آگاهی نسـبت به تمام معارف دینی، اخلاقی و فروع فقهی. انسان با تسلط کامل بر این ها می تواند مردم را از جهالت بیرون آورد.

اسوه های تبلیغ

۱- معالم الدین، ص ۲۶.

ص:۱۳

انبیای الهی که مأموریت تبلیغی داشته اند، برای ما الگو و اسوه هستند. باید دید آن ها در مسیر تبلیغ دین از چه سرمایه هایی استفاده کرده انـد تا توانسته انـد تحول به وجود آورند. با مطالعه ی قرآن کریم و شـرح دعوت انبیای الهی می توان رموز موفقیت آن ها را کشف کرد.

حضرت یوسف (ع) در مسیر تبلیغ

قرار بود که حضـرت یوسف (ع) محیط مصـر را عوض کرده و ریشه ی شرک را در این سرزمین از بُن برکند. این تحول سیاسی در جامعه ی آن روز مصـر کار ساده ای نبود. ایجاد تحول بنیادین در آن جامعه نیاز به زیرکی، فطانت، حسن تدبیر و تلاش وافر داشت و حضـرت یوسف (ع) با ویژگی های شخصیتی، حسن تدبیر، تلاش و فداکاری خویش توانست این جامعه ی شرک آلود را اصلاح کند.

رمزهای پیروزی یوسف (ع)

اشاره

ص:۱۴

بـا مطالعه ی آیات قرآن کریم می توان رمزهای موفقیت حضـرت یوسف (ع) را در مسـیر تبلیغ دین کشف کرد. او چه کرد تا وقتی که به مردم مصـر فرمود: بگویید: «لا اله الا الله»، تمام مردم به او گرایش پیدا کردند و به توحید روی آورند؟ اینک رمزهای موفقیت او را بررسی می کنیم. باشد که ما را در مسیر تبلیغ دین یاری رساند.

۱-تقوا زمینه ساز تبلیغ

حضرت یوسف (ع) چهل سال تلاش کرد تا توانست مردم را هدایت کند. آنچه در این چهل سال سرمایه ی کار او بود در درجه ی اول تقوا بود آن هم درجه ی بسیار بالا.

این که زمینه برای انحراف به تمـام معنـا برای یـک جوان در عنفوان جوانی پیـدا شود و او بتوانـد بـا نفس خویش مبارزه کنـد، کار آسانی نیست.

البته خـدای متعال نیز او را یاری داد. حضـرت یوسف (ع) در آن شـرایط حساس تنها بر خداونـد متعال تکیه کرد و در آن لغزشـگاه های خطرناک نیز خداوند به فریادش رسید.

قرآن کریم شرح یاری خداوند را چنین بیان می کند:

ص:۱۵

«وَلَقَدْهَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِها لَوْ لا أنْ رَأی بُرْهانَ رَبِّهِ ؛(۱) آن زن قصـد او کرد؛ و او نیز- اگر برهان پروردگار را نمی دید- قصد وی می نمود.»

«وَإِلاَّ تَصْرِفْ عَنِّی کَیْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَیْهِنَّ وَ أَکُنْ مِنَ الْجاهِلینَ (۲)؛ و اگر مکر و نیرنـگ آن هـا را از من بـازنگردانی، به سوی آنـان متمایل خواهم شد و از جاهلان خواهم بود.»

«وَما أُبَرِّ ئُنَفْسی إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَهٌ بِالسُّوءِ إِلَّاما رَحِمَ رَبِّی إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَحیمٌ (۳)؛ من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم، که نفس، بسیار به بدی ها امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند؛ پروردگارم آمرزنده و مهربان است.»

تـا کسـی دست به دامن خـدا نشود، در این بحران هـا و طوفـان هـا نمی توانـد خودش را حفظ کنـد. حفظ تقوا در این موارد بسـیار مشـکل است و همین قـداست و پـاکی و عصـمت بهترین زمینه سازی برای تبلیغ بود که حضـرت یوسف (ع) در این قسـمت در حد اعلای موفقیت بود.

۱- یوسف/ ۲۴.

۲- یوسف /۳۳.

۳- یوسف/۵۳.

ص:۱۶

زلیخـا او را متهم کرد، ولی در دراز مـدت بـا یـاری خداونـد اتهـام برطرف شـد و زلیخا اعتراف کرد که من مقصـر بودم، و او پاک بود.(۱)

اگر ما در مسـیر تبلیغ بهترین شـیوه های تبلیغ را با بهترین بیان و سـخنرانی داشته باشیم ولی تقوا نداشته باشیم، ذره ای نمی توانیم در شنونده اثر داشته باشیم.

۱- یوسف/۵۱.

ص:۱۷

امام صادق (ع) می فرماید:

«إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ یَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ کَمَایَزِلُ ُالْمَطَرُ عَنِالصَّفَا(۱)؛ دانشمند وقتی به علم خویش عمل نکند موعظه ی او از دل ها همچون باران روی سنگ صاف می لغزد [و در قلب ها نفوذ نمی کند]».

باران که از آسمان می آید، استعدادهای زمین را شکوفا و بارور کرده، آن را شاداب می کند، اما هرگاه روی سنگ خارا بریزد، آن را ظاهراً و برای مدت کوتاهی خیس می کند ولی در آن نفوذ نمی کند و هیچ اثری ندارد.

اگر در باطن مبلّغ تقوا نباشد، موعظه های او چون بارانی است که بر روی سنگ خارا می ریزد و تأثیری در دل مخاطبان او ایجاد نخواهد کرد.

ما افراد زیادی را دیده ایم که بیان آن چنانی نداشته اند ولی تقوایشان موجب شده است که آن ها کلمه ای بگویند و آن کلمه کار صد منبر را انجام دهد.

میرزا علی آقا شیرازی نمونه ی تقوا

اشاره

۱- الحیاه، ج۱، ص۱۱۳.

ص:۱۸

مرحوم شهید مطهری (ره) وقتی با آقای میرزا علی آقا شیرازی (ره) برخورد می کند، تحول عجیبی در روح او بهوجود می آید. باید دیـد این تحول عظیم از کـدام نـاحیه حاصـل شـده است. مرحوم حاج میرزا علی آقا شـیرازی (ره) آدم نطّاق و سـخنوری چون سـید جمـال الـدین اسـدآبادی (ره) نبود؛ ولی آن حقیقت و تقوا و واقعیت او بود که روی کلمـاتش اثر گذاشـته و کلمـات او در جان ها نفوذ می کرد.

۲- خدمت به مردم

حضرت یوسف (ع) ابتدا در زندان انفرادی بود. زلیخا دستور داده بود مدتی حضرت یوسف (ع) را تحت فشار و شکنجه قرار دهند، شاید از این راه متنبه شده و به او گرایش پیدا کند؛ ولی این فشارها در او اثر نکرد. چون زلیخا در باطن علاقه ی شدیدی به یوسـف (ع) داشت تحملش تمام شد و دسـتور داد حضرت را به زندان عمومی ببرند. حضرت یوسف (ع) در زندان عمومی با ۱۴۰۰ نفر هم زندانی بود. آن حضـرت در زندان حلّال مشـکلات زندانیان بود، در بیماری پرسـتارشان بود، عیادتشان می کرد و در هنگام احتیاج، نیازهای آنان را مرتفع می کرد و همیشه انیس زندانیان بود و با غمخواری گرد و غبار غم

ص:۱۹

و اندوه زندان را از آنان می زدود. او برای کسانی که به هیچ جایی دلبستگی نداشتند پناهگاه خوبی بود. خدمات حضرت یوسف (ع) موجب جذب زندانیان به سوی او بود. جملات دو زندانی که از حضرت یوسف (ع) تعبیر خواب خود می خواستند، گویای خدمات او در زندان است. آن دو زندانی گفتند:

«نَبِّئْنا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَراكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۱)؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم.»

فعل «نراک» مضارع است؛ یعنی، ما پیوسته تو را در حال احسان و خدمت می بینیم. این عبارت کاشف از این است که حضرت یوسف (ع) خدمات مستمری در زندان داشته است.

راز موفقیت یک روحانی این است که به مردم خدمت کند.

مبلّغان معصوم (ع) در خدمت مردم

پیامبر (ص) ائمه ی طاهرین (ع) قطع نظر از شیوه های تبلیغی شان، خدمات عجیبی به مردم می کردند که این ها خود زمینه ساز پذیرش دعوت و هدایت مردم و گرایش معنوی به سوی آن ها بود.

۱- یوسف/ ۳۶.

ص:۲۰

وقتی امام سجاد (ع) را غسل می دادند، دیدند علاوه بر این که هفت موضع سجده ی او پینه دارد، پشت حضرت نیز پینه بسته است. معنای این عمل این است که همان طور که باید در مسیر عبادت تلاش وافر داشت، در مسیر خدمت به جامعه نیز این چنین باید تلاش کرد. در این صورت است که تبلیغات اثر می گذارد.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) به خانه ی یک پیرزن می رود و بچه داری می کند تا بیرون نان بپزد. این خدمت حضرت علی (ع) به آن پیرزن از صد منبر اثرش بیشتر است. این یک امر طبیعی است که «الانسان عبید الاحسان.».

خاطره ی تبلیغی

اشاره

در اولین سفر تبلیغ – که خدا توفیق تبلیغ داده بود- چون از منبر رفتن در شهر خجالت می کشیدم به یکی از روستاهای اطراف اصفهان رفتم تا راحت تر بتوانم صحبت کنم. مرد سابقه داری آن جا بود که فوت شده بود. آن ها کسی را نداشتند. وقتی به آن جا رفتم، در محل دودستگی بود. یک عده می خواستند مرا به این مسجد ببرند و عده ای دیگر خواهان رفتن به مسجد دیگر بودند.

ص:۲۱

انتخاب هر یک از این دو اسباب دردسر و زحمت می شد. چون محیط کوچک بود و به خاطر رقابت هایی که وجود داشت، غائله ای بهوجود می آمد. گفتم روزها به این مسجد و شب ها به آن مسجد می آیم. این سبب شد مردم یک محله روزها به مسجد محله دیگر بیایند و شب ها بالعکس میزبان افراد محله دیگر باشند.

چند روزی که از ماه مبارک رمضان گذشته بود و در بین اهالی هماهنگی و انسجام ایجاد شد، تصمیم گرفتم به حمام محل بروم. حمام را قُرُق کردند تا به حمام برویم. وقتی داخل حمام رفتم از بوی عفونت خزینه امکان رفتن به داخل آن نبود و آب آن یقیناً مضاف بود از وسط حمام لباس هایم را پوشیدم و برگشتم.

شب منبر رفتم و به اهالی گفتم: شما چطوری حمام می روید؟ وضع حمامتان بسیار ناهنجار است. پیشنهاد می کنم یک حمام مناسب بسازیم. پیرمردی زمین حمام را داد و کار را شروع کردیم.

روز آخر ماه رمضان دیوارهای حمام تا زیر سقف رسیده بود. روز عید فطر مقداری پول به عنوان دستمزد برای بنده جمع کرده بودند و به من دادند. من همان جا معمار و مسئول کار ساختمان حمام را خواستم و پول را به او دادم و گفتم: به اندازه ی این پول، چند روزی به خاطر ثواب برای من کار کن. وقتی مردم دیدند که هر چه به من داده

ص:۲۲

بودند برای کار حمام دادم، آن ها نیز به این کار خیر بیشتر تشویق شدند.

وقتی می خواستم از آن روستا بیرون بیایم، یکی از حاجی های روستا پانصد تومان که آن وقت ارزش زیادی داشت، داخل پاکت گذاشت و به من داد تا برای خودم باشد و آن را خرج حمام نکنم. اما همین که به اصفهان آمدم، قبل از رفتن به خانه به کوره ی آجرپزی رفتم و با آن پول آجر خریداری کرده و به روستای محل تبلیغ فرستادم. بعد از ۳۵ سال هنوز اثر آن کار تبلیغی در آن روستا هست؛ یعنی، یک کار مثبت بیش از ۳۰ روز سخنرانی در ماه رمضان اثر داشته است.

۳- تثبیت علمیت

یکی از رازهای موفقیت حضرت یوسف (ع) بعد از مسئله ی تقوا و خدمات اجتماعی این بود که، علمیت خودش را تثبیت کرد.

این که مردم احساس کنند که گوینده از روی علم صحبت می کند، امر بسیار مهمی است.

قرآن کریم ماجرای گفت و گوی دو زندانی و حضرت یوسف (ع) را چنین بیان می کند:

ص:۲۳

«نَبِّئْنا بِتَأْویلِهِ إِنَّا نَراکَ مِنَ الْمُحْسِنینَ* قالَ لا یَأْتیکُما طَعامٌ تُرْزَقانِهِ إِلاَّ نَبَّأْتُکُما بِتَأْویلِهِ قَبْلَ أَنْ یَأْتِیَکُما ذلِکُما مِمَّا عَلَّمَنی رَبِّی... (۱)؛ ما را از تعبیر این خواب آگاه کن که تو را از نیکوکاران می بینیم. [یوسف (ع)] گفت: پیش از آن که جیره ی غذایی شما فرا رسد از تعبیر خوابتان آگاه خواهم ساخت، این از دانشی است که پروردگارم به من آموخته است...».

فرمود: خدا این علم را به من داده است. این جا علمیت خودش را ثابت کرد و نتیجه را آن جا گرفت که عزیز مصر خواب عجیبی دید و کاهنان، علماء، ریاضیین و ... نتوانستند آن را تعبیر کنند و گفتند:

«أَضْغاثُ أَحْلامٍ وَمانَحْنُ بِتَأْویلِ الْأَحْلامِ بِعالِمینَ (۲)؛ خواب های پریشان و پراکنده ای است و ما را از تعبیر این گونه خواب ها آگاه نیستیم».

آن ها بر اثر جهالتشان می گفتند: خواب پریشان است. ولی یکی از دو رفیق زندانی حضرت یوسف (ع) در دربار، ساقی بود. او گفت: در

۱- یوسف/ ۳۶ و ۳۷.

۲- یوسف/۴۴.

ص:۲۴

زندانی کسی بود که علم داشت. او به سراغ حضرت یوسف (ع) آمد و گفت:

«یُوسُفُ أَیُّهَا الصِّدِّیقُ أَفْتِنا فی سَبْعِ بَقَراتٍ سِمانٍ یَأْکُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجافٌ وَ سَبْعِ سُنْبُلاتٍ خُضْرٍ وَ أُخَرَیابِساتٍ... (۱)؛ یوسف، ای مرد بسیار راستگو! درباره ی این خواب اظهار نظر کن که هفت گاو چاق را هفت گاو لاغر می خورند و هفت خوشه ی تر و هفت خوشه ی خشکیده [در بر می گیرند]...»

حضرت یوسف (ع) چنین تعبیر کرد که: هفت سال قحطی می شود و هفت سال سبز سالی. در هفت سال قحطی تمام ذخیره های هفت سال سبز سالی را مردم می خورند.

عزیز مصر برای جبران گذشته و سختی هایی که بر یوسف (ع) وارد کرده بودند، از یوسف (ع) خواست کاری را در دربار بپذیرد. فرمود:

«اجْعَلْنی عَلی خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّی حَفیظٌ عَلیمٌ (۲)؛ مرا سرپرست خزاین سرزمین (مصر) قرارده، که نگه دارنده و آگاهم».

۱- یوسف/ ۴۶.

۲- یوسف/ ۵۵.

ص:۲۵

او با عبارت «حَفیظٌعَلیمٌ» دو چیز را اثبات کرد: یکی امانت خود و دیگر علم خویش را.

یکی از رموز موفقیت شـما مبلغان عزیز نیز همین است که مردم احساس کنند از سرچشـمه ی پرفیضی بهره می گیرند. اگر توانستید مایه های قوی علمی کسب کنید موفق خواهید بود.

حضرت یوسف (ع) مبلِّغ خدمتگزار

ص:۲۶

وقتی حضرت یوسف (ع) وزیر کشاورزی شد، گفت: امسال رود نیل طغیان می کند و شما کشاورزان نمی توانید تمام زمین هایتان را زیر کشت ببرید، پس اگر دلتان خواست زمین هایتان را به دولت واگذار کنید تا دولت آن زمین ها را زیر کشت ببرد و پنجاه درصد درآمد آن مال کشاورز و سی درصد از آن صاحبان زمین و بیست درصد هم مال دولت باشد.

مردم زمین ها را به یوسف (ع) دادند، بعد از برداشت محصول، حضرت دستور داد بیست درصد سهمیه دولت را با خوشه ها انبار کنند تا بماند تا هفت سال کشاورزی را به عهده گرفت و گندم ها را در سیلوها ذخیره کرد. سال هشتم قحطی شد. در سال اول قحطی مردم مقداری ذخیره کرده بودند و بعضی هم گندم احتکار کرده بودند. حضرت دستور داد انبار گندم را به روی مردم باز کردند و با این تدبیر نرخ پایین آمد و احتکار کنندگان راه به جایی نبردند. همان سال اول گندم های مردم تمام شد. سال دوم مردم پول آوردند و گندم خریدند. سال سوم چون پول نداشتند، خانه های خود را به حضرت یوسف (ع) واگذار کردند و گندم گرفتند. در طول هفت سال قحطی تمام مایملک مردم از خانه، فرش، ظرف، سرمایه، باغ و ملک، تمام این ها به

ص:۲۷

حضرت یوسف (ع) واگذار شد. به این صورت که قباله ها را می آوردند و به یوسف (ع) می دادند و گندم می گرفتند.

پس از هفت سال قحطی، دوباره رود نیل طغیان کرد. مردم برای کشت هیـچ نداشـتند. از زمان وزارت حضـرت یوسف (ع) چهارده سال می گذشت. مردم را جمع کرد و گفت: «امسال سالی است که باید زراعت کنید.

گفتند: چیزی نداریم، نه زمین، نه خانه و نه باغ. همه اش مال دولت است.».

حضرت پرسید: آیا من در طول این چهارده سال به شما احسان کردم؟

گفتند: اگر تو نبودی! از قحطی مرده بودیم.

گفت: تمام آنچه را که به دولت واگـذار کردیـد، به شـما بخشـیدم. هر کس بیاید قباله هایش را بگیرد و برود. پس از چهارده سال خدمت خالصانه گفت: «قولوا لا اله الا الله».

مردمی که از او خدمت خالصانه، پاکی، امانت و علم دیده بودند، تسلیم شدند. راه موفقیت در تبلیغ این است.

وظیفه ی امروز ما

ص:۲۸

امروز کفر با تمام تجهیزات بسیج شده است. در روزنامه ها نوشته بودند که ۱۰۰ کشور دنیا با هم هماهنگ شده اند تا برای استقبال از دموکراسی مجلسی تشکیل دهند، این کار معنا دارد. معنایش این است که دنیا دست به دست هم می دهد تا ریشه ی دین کنده شود.

در چنین شرایطی یک دل خوشی وجود دارد و آن این که آن ها به مو می رسانند، ولی خدا نمی گذارد که پاره شود.

خداوند حفظ می کند. ولی باید متذکر این نکته نیز بود که این مطلب از ما اسقاط تکلیف نمی کند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: اگر فکر می کنید که یک روزی از قدرت خودمان استفاده می کنیم و ریشه ی دشمنان را می کنیم، این را از گوشتتان بیرون کنید. دشمنان انبیاء باید آزاد باشند تا خدا آن ها را آزمایش کند. انبیای الهی همه دشمن داشتند.

قرآن کریم می فرماید:

«وَكَذلِكَ جَعَلْنا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَياطِينَ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ يُوحي بَعْضُهُمْ إِلي بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوراً (۱)؛ این چنین در برابر هر پیامبری،

۱- انعام/ ۱۱۲.

ص:۲۹

دشـمنی از شـیاطین انس و جن قرار دادیم؛ آن هـا به طور سـرّی (و در گوشـی) سـخنان فریبنـده و بی اسـاس (برای اغفـال مردم) به یکدیگر می گفتند.»

نمونه ی کمک دادن شـیطان های جنی و انسـی به یکدیگر در جریان هجرت پیامبر اکرم (ص) اتفاق افتاد. در جریان هجرت، کفار مکه با هم نشسـتند تا طرح قتل پیامبر اکرم (ص) را بریزند. شـیطان در شـکل پیرمرد نجاری ظاهر شد و گفت: اگر می خواهید او را بکشید، راهش این است.

به عبارت «زخرف القول» در آیه ی فوق توجه کنید. زخرف یعنی طلا و زخرف القول یعنی قول طلایی.

وقتی می خواهند بگویند جمله ای خیلی زیبا و فریبنده است، می گویند «زخرف القول» است.

دشـمنان وقتی می خواهنـد مردم را فریب دهنـد، از «زخرف القول» اسـتفاده می کننـد و بهترین قلم ها و بیان ها را اسـتخدام کرده به جان جامعه می اندازند و مردم را فریب می دهند.

الان قلم ها و بیان های قوی و فریبنده ای استخدام شده است و در روزنامه ها و از طریق تریبون ها با بیانات شیوا مردم را می فریبند.

ص:۳۰

دانشگاه جایی است که با سوادهای جامعه غربال شده و نخبگان آن ها به آن وارد شده اند. جوانان خوش فکر در دانشگاه هستند و امروز دشمن در دانشگاه لانه کرده است، یعنی؛ روی قشر جوان غربال شده ی جامعه سرمایه گذاری کرده است. آن ها با زخرف القول جلو آمده اند و وظیفه ما بسیار سنگین است. گر چه قدرت و گروهمان کم باشد، در صورتی که تلاش کنیم، خداوند کمکمان خواهد کرد:

«کَمْ مِنْ فِئَهٍ قَلیلَهٍ غَلَبَتْ فِئَهً کَثیرَهً بِإِذْنِ اللَّهِ»(۱) ما نباید مأیوس شویم، بلکه باید دست به دامان ولی عصر شویم و زیر بناهای تبلیغی را فراهم کرده، دردهای جامعه را بفهمیم، بیماری های عقیدتی و اخلاقی را ارزیابی کنیم، علاج ها را کاملاً در نظر بگیریم و با صبر و استقامت در مقابل این طوفان خطرناک مقاومت کنیم: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدامَکُمْ»(۲)

۱- بقره/۲۴۹.

۲- محمد ۷/. اگر آئین خدا را یاری کنید، شما را یاری می کند و گامهایتان را استوار می دارد.

ص:۳۱

انبیای الهی رنج کشیدند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ما اوذیَ نبیٌّ مثل ما اوذیتُ»(۱) آن ها راحتی را برای خودشان حرام کردند.

ما نیز باید خواب را بر خودمان حرام کنیم و بی وقفه کار کنیم.

انشاء الله خداوند به همه ی ما توفیق دهد تا از حریم دین دفاع و دل امام زمان را خوشحال کنیم.

سرمشق های زنده ی تبلیغات

مقدمه

سرمشق های زنده ی تبلیغات(۲)

۱- کشف الغمه، ج۲، ص ۵۳۷. گفت پیغمبر بهر کهل وصبی مثل ما اوذیت ما أوذی نبی آن اذیت ها که شد وارد به من کس نداند جز خدای ذوالمنن

۲- این سخنرانی در تاریخ ۳۰/۴/۱۳۷۹ در مرکز آموزش های تخصّصی تبلیغ حوزه یعلمیه ی اصفهان ایراد شده است.

ص:۳۲

ص:۳۳

قرآن کریم می فرماید:

«فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الدِّینِ وَ لِیُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ(۱)؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن ها را بیم دهند. شاید آن ها بترسند.»

شغل طلاب علوم دینی، شغل انبیاء است. هدف از تفقه در حوزه های علوم دینی باید تبلیغ و انذار قوم باشد تا مردم تحت تأثیر همین تبلیغات ساخته شوند.

از آن جا که حرکت تبلیغی ما، ادامه ی حرکت تبلیغی انبیای الهی است باید روش انبیاء را در تبلیغ دین، الگوی خویش قرار دهیم.

۱- توبه/ ۱۲۲.

ص:۳۴

خداونـد متعـال برنامه های تبلیغی انبیاء را در قرآن کریم منعکس کرده است و ما می توانیمشـیوه های تبلیغ را از قرآن فرا گیریم. به عنوان نمونه اوّلین آیات وحی در غار حرا بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد، که:

«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذی خَلَقَ* خَلَقَ الْإِنْسانَ مِنْ عَلَقٍ* اقْرَأْ وَرَبُّکَ الْأَکْرَمُ* الَّذی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ* عَلَّمَ الْإِنْسانَ مالَمْ یَعْلَمْ»(۱)

خداونـد متعال با اولین آیات وحی به پیامبرش می آموزد که مسأله ی دین بر مبنای علم است و پیامبری که می خواهـد دین را تبلیغ کند، ابتدا باید قرائت و خواندن را تمرین کند.

پیامبر اکرم (ص) پس از دریافت اوّلین فرازهای وحی خسـته و کوبیده به سوی خانه روانه می شود. غار حرا در دامنه ی کوه صـعب العبوری است و پایین آمدن از آن پیامبر را خسـته کرد، وقتی به خانه می رسـند، می خوابند تا قدری بیاسایند. جبرئیل امین نازل می شود و اوّلین آیه هـایسوره ی مـدثر را برای او قرائت می کنـد. این آیـات، برنامه ی بیست و سه سال تبلیغ پیامبر اکرم است. فرامین شش گانه ی مطرح شده در این سوره، همیشه سرمشق هایزنده ای برای تبلیغات

۱- علق/ ۵ ۱.

ص:۳۵

دینی است. اینک فرامین شش گانه ی خداوند در رابطه با تبلیغ را به عنوان سرمشق هایزنده ی تبلیغات مطرح می کنیم.

سرمشق های زنده ی تبلیغات

اشاره

ص:۳۶

خداوند متعال در سوره ی مدثر می فرماید:

«یاأَیُّهَاالْمُـدَّثِّرُ* قُمْ فَأَنْـذِرْ*وَرَبَّکَ فَکَبِّرْ * وَثِیابَکَ فَطَهِّرْ* وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ* وَلاتَمْنُنْ تَسْـتَکْثِرُ* وَلِرَبِّکَ فَاصْبِرْ؛ ای جامه بر خود پیچیـده! برخیز و انـذار کن و پروردگـارت را بزرگ بشـمار و لبـاست را پاک کن و از پلیـدی دوری کن و منت مگـذار و فزونی مطلب و به خاطر پروردگارت شکیبایی کن.»

۱) بسیج قوا

ص:۳۷

خداوند متعال در اوّلین دستور خود می فرماید: «قُم فانذر». گرچه کلمه ی قیام در لغت به معنای ایستادن است؛ ولی منظور از کلمه ی«قُم» در این جا این نیست که الان پا شود و بایستد. انسان وقتی بخواهد کاری انجام دهد، باید تمام نیروهای خود را بسیج کند؛ مثلاً، در جنگ باید آنچه را در توان دارد، برای مبارزه با دشمن صرف کند. در رختخواب و به صورت نشسته نمی توان با دشمن جنگید. چون انسان در حالت خواب بر همه ی قوای خود تسلّط ندارد. اگر نشست، مقداری از نیروها در اختیارش می آید. اگر ایستاد، بر تمام قوا مسلّط شده و می تواند با دشمن بجنگد.

کلمه ی«قُم» اشاره به همین معنا دارد؛ یعنی، یا رسول اللّه اینک که می خواهی برای تبلیغ آماده شوی، باید تمام نیروهایت را بسیج کنی تا بتوانی وظیفه ی تبلیغ را به انجام رسانی.

۲) انذار

ص:۳۸

وظیفه ی دوم انـذار است. فرمود: «قُم فانـذر؛ بایست پس انذار کن.» انذار کنایه از تبلیغ است، زیرا تبلیغ مراحلی دارد و اوّلین مرحله اش انـذار است. اگر بخواهیم روی یک تابلو که قبلًا چیزهایی ترسیم شـده است، چیزی را ترسیم کنیم، باید اوّل نوشـته ها و نقش های پیشـین را پاک کنیم. با وجود آن هانمی توان به هـدف رسـید. انبیای الهی نیز اوّل باید انذار کنند تا به وسـیله ی آن، مرحله ی تخلیه صورت گیرد و نوبت به مراحل تحلیه و تجلیه برسد.

قرآن کریم درباره ی پیامبر اکرم□می فرماید:

«یُزَکِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَه»(۱)

بدون انذار تزکیه تحقق پیدا نمی کند و تا تزکیه نباشد تخلیه نمی شود.

در ابتدابهترین راه تبلیغ استفاده از شیوه ی انذار است، به صورتی که لرزه بر اندام مستمع اندازد، در این صورت مستمع بیشتر خواهد شد.

۱- جمعه/ ۲.

ص:۳۹

برای تزریق آمپول به بدن، اوّل باید پوست بدن به وسیله ی سوزن شکافته شود. تا پوست شکافته نشود، امکان انتقال موادّ به داخل رگ وجود ندارد. برای ورود موعظه به قلب شنونده نیز اوّل باید قلب او شکافته شود. تا گوینده، قلب شنونده را قبضه نکند، موعظه اثر نمی گذارد.

یکی ازشیوه های قبضه کردن قلب مخاطب، انذار است.

مثلاً، اگر در شب های قدر بخواهد مردم را وادار به توبه کند، اوّل باید قدری آن ها را انذار کند و مسائلی از قبیل: مرگ، سکرات مرگ، شب اوّل قبر، فشار قبر، جهنّم، ملائکه ی غلاظ و شداد و ... را مطرح کرده و قلوب آن ها را آماده ی پذیرش بحث توبه کند، آن وقت موعظه اش اثر می گذارد.

۳) روشنی هدف

امروزه دنیا، دنیای تبلیغات است و برای کارهای تبلیغاتی هزینه های فراوان می شود. به عنوان نمونه شهرداری برای تبلیغ از یک شغل یا یک کالا آن هم فقط روی یک تابلو در یک جای غیر حساس شهر، چهارصد هزار تومان دریافت می کند و اگر بخواهد در جای حساس شهر آن را نصب کند، میلیون ها تومان پول می گیرد بسیاری از

ص:۴۰

افراد این پول را می پردازند این هانشانه ی اهمّیت تبلیغات در دنیای معاصر است.

مبلّغ باید هدف خود را در تبلیغ روشن کند و بدون هدف و یا با هدفی غلط سرمایه ی عظیم تبلیغ را بر باد ندهد.

آیه ی شریفه «و ربک فکبّر» هدف تبلیغ را تبیین می کند. این آیه می خواهد به پیامبر اکرم (ص) بگوید که:الآن مردم در اثر جهل، خدا را آن قدر پایین آورده اند که او را در حد یک بت قرار داده و پرستش می کنند. تو باید آن قدر کار کنی تا خدا را در نظر مردم بزرگ جلوه دهی. [آنچنان که هست].

مردم تا به این دنیا چسبیده اند، رشد نمی کنند. باید کاری کنیم که این دنیا و آنچه که در آن است در نظر مردم بی ارزش باشد، تا رشد پیدا کنند. باید کاری کرد که مردم خدا را بزرگ بشناسند و تسلیم او شوند. این که در هر جایی از نماز «الله اکبر»می گوییم معنایش چیست؟ برای قرائت، رفتن به رکوع، رفتن به سجده و ... «الله اکبر»می گوییم. معنایش این است که اعمالی که انجام می دهیم، بر مبنای «تسلیم الی الله» است و تا خدا را بزرگ تر از همه چیز ندانیم، آن حالت تسلیم محض برای ما پیدا نمی شود.

ص:۴۱

هـدف از تبلیغ توجّه مردم به سوی خـداست و برای رسـیدن به این هـدف بایـد خـدا را بزرگ معرفی کرد تا مردم از غیر خـدا جـدا شوند و به سوی خدا و معنویت هدایت شوند.

۴) تواضع، شرط اساسی

یکی از شرایط اساسی مبلّغ، تواضع و فروتنی است.

در ذیل آیه یشـریفه ی«وَثِیابَکَفَطَهِّرْ» مفسرین فرموده اند: مردم خیلی متکبر بودند و این تکبرشان بر اساس جهل بود. لباس هایشان را خیلی بلند می دوختند. به گونه ای که هنگام راه رفتن به زمین کشیده شده و آلوده می گردید.

در همین زمـان هم مـوارد مشـابه وجود دارد. زمـانی که شـاه معـدوم می خواست بـا فرح ازدواج کنـد، پیراهنی در فرانسه برای فرح دوختنـد. وقتی آن را پوشـید، نمی توانست راه برود. دو نفر می آمدند، یکی این طرف پیراهن و دیگری آن طرف پیراهن را بالا می گرفت تا او بتواند راه برود. این نحوه لباس پوشیدن برای اظهار بزرگی و عظمت بود.

خداوند متعال برای این که پیامبر اکرم (ص) را متوجّه مسأله ی تواضع کند، با کنایه می فرماید: «وَثِیابَکَفَطَهِّرْ» یعنی باید کاری کنی

ص:۴۲

که لباست آلوده نشود؛ یعنی، باید لباس هایت را کوتاه بگیری تا آلوده نشود و این کنایه از تواضع است.

کسی که می خواهد مردم را ارشاد و راهنمایی کند، باید مردمی باشد. برای مردمی شدن باید واقعا با مردم آمیخته شد. تا مبلّغ تواضع پیدا نکند، نمی تواند مردمی باشد و در آن ها اثر بگذارد.

موفق ترین مبلّغین کسانی بودند که با مردم آمیخته بودند، در میان مردم بودند و با مردم معاشرت داشتند.

۵) پرهیز از آلودگی

خداوند متعال در پنجمین دستور خود در آیه یشریفه ی«وَالرُّجْزَفَاهْجُرْ»پیامبر خویش را از آلودگی ها بر حذر می دارد. هر یک از آلودگی های فکری، اخلاقی و عملی موجب عدم موفقیّت مبلّغ در امر تبلیغ دین است. زیرا نقطه ضعف های عقیدتی، اخلاقی و عملی، قوی ترین عامل برای خنثی کردن تبلیغات است. اخلاق بد مبلّغ موجب می شود زحماتش بر باد رود. عقیده ی انحرافی و یا عمل بد و معصیتی که از مبلّغ سر می زند، نیز این چنین است.

این که می گوییم: انبیاء و ائمه ی اطهار (ع) باید عصمت داشته باشند و حتّی سوء سابقه از طفولیّت تا هنگام مرگ نداشته باشند «چه

ص:۴۳

در گناه کبیره، و چه در گناه صغیره، چه به صورت عمدی یا سهوی» برای همین امر است.

حضرت موسی (ع) وقتی که می خواست، به تبلیغ برود، فرمود: «وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخافُ أَنْ يَقْتُلُونِ»(۱) ؛ خداوند به او فرمود: برای تبلیغ به سوی مصر حرکت کن؛و او می خواهد بگوید خدایا! من یک سابقه دارم و نمی توانم آن جا بروم؛ من آدم کشته ام. ولو به حق کشته بود ولی می گویدمی ترسم آن جا بروم و آن ها بخواهند قصاص کنند و من به هدف نرسم.

اتفاقاً وقتی حضرت موسی (ع) با فرعون مواجه شد، فرعون انگشت روی همین نقطه ضعف گذاشت و گفت: تو همان نیستی که آدم کشتی؟ وقتی فرعون می خواهد تبلیغات حضرت موسی (ع) را خنثی کند،مسأله یپرونده ی قتل آن قبطی را مطرح می کند و این خیلی مهم است. البته حضرت موسی (ع) گناهکار نبود ولی فرعون و اطرافیان او، او را گناهکار می دانستند و از این فرصت استفاده می کردند.

باید بهترین و پاک ترین افراد در مسیر تبلیغ گام بر دارند تا نقطه ی ضعفی از گذشته خود در طول زندگی نداشته باشند.

۱- شعراء/ ۱۴.

ص:۴۴

کسی می تواند در جامعه تبلیغ کند که بهعنوان فرد آلوده و منحرف شناخته نشده باشند.

مبلّغ باید هدف خود را در تبلیغ روشن کند و بدون هدف و یا با هدفی غلط سرمایه ی عظیم تبلیغ را بر باد ندهد.

۶) پرهیز از منت گذاشتن

در رابطه با آیه یکریمه ی:«وَلاٰتَمْنُنْتَسْتَكْثِرُ» دو نکته قابل توجّه است:

الف منت گذاشتن بر مردم، موجب خنثی شدن عمل است.

قرآن کریم می فرماید:

«لاٰتُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذی»(۱) ؛

اگر کسی صدقه بدهد و بعد از آن منت بگذارد، صدقه اش را بی اثر می کند.

اگر مبلّغ نیز مردم را ارشاد کرد و بر سر آن ها منّت گذاشت، اثر تبلیغات او خنثی می شود.

۱- بقره/ ۲۶۳.

ص:۴۵

ب یکی از چیزهایی که انسان را از کار باز می دارد، این است که فکر کند به مرحله ی نهایی رسیده است.

مبلّغ نباید فکر کند که کار مهمّی کرده است. او نباید خدمات خودش را جلوه داده و بگوید من چنین و چنان کردم.

او نبایـد فکر کنـد که به مرحله ی نهایی از خـدماتی که باید انجام می داد رسـیده است؛ زیرا هر مقدار که انسان تلاش کند، باز هم کم است. اگر انسان بار مسئولیت را احساس کند، واقعاًمی فهمد که در مقابل آن مسئولیت خطیر الهی کاری نکرده است.

یک خاطره

علامه ی مجلسی ظرف ۶۳ سال عمر خود خدمات بزرگی انجام داده است. او یک دوره بحار را نوشت که فقط خواندنش برای ما مشـکل است تـا چه رسـد به این که بخواهیم جمع آوری کنیم، بخوانیم، بنویسـیم و تحقیق و ترجمه کنیم. سـید نعمت الله جزایری مـدت هشت سال در اصـفهان بود و در مدرسه ی خالصـیه تدریس می کرد. علامه ی مجلسـی به حاج محمـدتقی دولت آبادی دسـتور داد برای تـدریس سـید نعمت الله جزایری این مـدرسه را بسـازد. قبـل از این که این مـدرسه سـاخته شـود، سـید نعمت الله جزایری در خانه ی

ص:۴۶

علامه ی مجلسی مشغول کار بود. سید نعمت الله می گوید: «سه ساعت بعد از نیمه شب بود. صدای در را شنیدم. فهمیدم کسی غیر از علامه ی مجلسی نیست. در را باز کردم. علامه وارد خانه شد و گفت: من در یک جمله از روایتی گیر کرده ام، نظر شما چیست؟».

وقتی انسان این کار شبانه روزی را می بیند، واقعاً احساس حقارت می کند.

اگر شبانه روز تبلیغ کنیم، باید این احساس را داشته باشیم که هنوز هم کاری نکرده ایم.

رمز موفقیّت

ص:۴۷

آخرین و مهم ترین دستور خداوند متعال بعد از مراحل شش گانه ی فوق سفارش به صبر و بردباری در راه خداست «وَلِرَبِّكَفَاصْبِرْ» تبلیغ دین کار سختی است و مشکلات عدیده ای دارد.ناراحتی ها، خستگی ها و کوفتگی ها دارد و اگر صبر نباشد، کسی در مراحل ذکر شده موفّق نیست. اگر انسان طاقتش کم شود، نمی تواند هیچ کدام از دستورات یاد شده را اجرا کند.

صبر در امر تبلیغ از میان انواع سه گانه ی صبر (صبر در طاعت، صبر در مصیبت، صبر در معصیت) از نوع صبر بر طاعت خداوند است.

پیامبر اسلام (ص) الگوی تبلیغ

ص:۴۸

پیامبر اسلامدستورات الهی تبلیغ را در اوّلین فرازهای وحی گرفت و در طول بیست و سه سال آن ها را پیاده کرد. بر ماست که تک تک آن ها را از لابلای حوادث و جریانات زمان پیامبر اکرمجست و جو کنیم.

باید دید که آن بزرگ منادی توحید چگونه قیام کرد؟

چگونه انذار کرد؟

چگونه خدا را تکبیر کرد؟

و چگونه از پلیدی ها پرهیز نمود؟

او چگونه تواضع کرد؟

و چگونه برای اجرای این دستورات الهی صبر پیشه کرد؟

نحوه ی رفتار پیامبر اکرمدر طول مدّت تبلیغ دینی اش برای ما الگوست.

ص:۴۹

«لَقَدْکانَ لَکُمْ فی رَسُول ِاللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»(۱) و برای شرح زندگانی پیامبربهترین سند خود قرآن است. تمام اعمال، برنامه ها و دستورات خداوند به پیامبر اکرمدر قرآن منعکس شده است.

باید دید خداوند به پیامبر اکرمچه چیزی را نشان می دهد.

دستورات الهی به پیامبر اکرمدر رابطه با تبلیغ چیست و شیوه ی پیاده کردن آن ها از سوی پیامبر اکرم چگونه است؟

که همه یآن هامی تواندسرمشق هایزنده ای برای تبلیغات ما باشد.

رسالت علامه مجلسی رحمه الله در سایه سار ثقلین

هدایت مردم در پرتو تزکیه و تعلیم

۱- - احزاب / ۲۱. قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست.

ص:۵۰

ص:۵۱

بسم الله الرحمن الرحیم

«هُوَالَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاً مِنْهُمْ یَتْلُوا عَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَ یُزَکِّیهِمْ و یُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَهَ وَ إِنْ کانُوا مِنْ قَبْلُ لَفی ضَلالٍ مُبینٍ»(۱)

بزرگترین رسالت انبیاء، تعلیم و تزکیه است. وقتی انبیاء احساس می کنند مردم در ضلالت هستند، طبق مأموریت بسیار سنگین و خطیری که دارند باید اقدام کنند و متناسب با شرایط زمان و مکان، نقش خود را در نجات مردم ایفا نمایند. رسالت فقهای اسلام، نیز همان رسالت انبیاء (ع) است: «الْفُقَهَاءُ أُمَنَاءُالرُّسُلِ»(۲) و خدا می-داند

۱- جمعه/۲. اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و[آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۲- الکافی، (ط - الإسلامیه)، ج ۱، ص ۴۶.

ص:۵۲

این وظیفه سنگین را به عهده ی چه ظرفیت هایی بگذارد، اعم از انبیاء و امناء الرسل: «اللَّهُ یَعْلَمُ حَیْثُ یَجْعَلُ رِسَالاتِه»(۱)

در این جا به دلیل بیان رسالت علامه مجلسی (ره) ، به معرفی عظمت شخصیت ایشان می پردازیم:

تلاش علامه برای زدودن آثار جاهلیت زمانه

زمانی که این بزرگوار، مردم را در گمراهی و فساد غوطه ور می بیند، همان رسالت پیامبر اسلام را نسبت به جامعه به عهده ی خود احساس می کند. در طلیعه ی بحارالانوار چاپ تهران، علامه چنین می فرماید:

«و لمّا رأیت الزّمان فی غایه الفساد، و وجدت أکثر أهلها حائدین عمّا یؤدّی إلی الرشاد، خشیت أن ترجع عمّا قلیل إلی ما کانت علیه من النسیان و الهجران، و خفت أن یتطرّق إلیها التشتّت ...»(۲)

۱- الکافی، (ط - الإسلامیه)، ج ۳، ص

۲- و لمّا رأیت الزّمان فی غایه الفساد، و وجدت أکثر أهلها حائدین عمّا یؤدّی إلی الرشاد، خشیت أن ترجع عمّا قلیل إلی ما کانت علیه من النسیان و الهجران، و خفت أن یتطرّق إلیها التشتّت لعدم مساعده الدهر الخوّان، و مع ذلک کانت الأخبار المتعلّقه بکلّ مقصد منها متفرّقا فی الأبواب، متبدّدا فی الفصول، قلّما یتیسّر لأحد العثور علی جمیع الأخبار المتعلّقه بمقصد من المقاصد منها، و لعلّ هذا أیضا کان أحد أسباب ترکها و قلّه رغبه الناس فی ضبطها. (بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۱، المدخل، ص ۲۴.)

ص:۵۳

به نظر ایشان شـرایط، همان شرایط جاهلیت و دوران، دوران خطیری است و باید یک انسان مقتدر، برای اصلاح جامعه تلاش کند و در این راه از پیـامبر و امانت و یادگار پیامبر کمک جویـد. ضـمن مراجعه به حـدیث ثقلین که عامه و خاصه به حـد تواتر آن را نقل کرده انـد، در می یـابیم کتـاب الله و عترت رسول الله امانت پیامبر هسـتند: «انی تـارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی.»(۱) گرچه بعضـی از اهل سـنت می گوینـد: «کتاب الله و سـنّتی» بسـیار خوب ما روی هر دو مطلب بحث داریم: کتاب الله و عترت؛ کتاب الله و سنّت.

اما کتاب الله، آیا کسی می تواند تنها با مراجعه به قرآن، مفاهیم واقعی کتاب الله را استنباط کند؟

۱- با اسـتقرار و جستجوی مختصر پی می بریم که پیامبر اکرم (ص) این حدیث را در ۵ موضع ذکر فرموده اند: ۱- هنگام باز گشت از طائف در سال ۸ هجرت بعد از فتح مکه؛ ۲- روز عرفه، هنگامی که حضـرت بر شتر قصواء خطبه می خواند؛ ۳- در مسجد خیف در منی در حجـهٔ الوداع؛ ۴- روز غـدیر خم؛ در آخرین خطبه ای که پیـامبر در روز شـهادت خـود ایر اد فرمود. (مرجعیت دینی اهل بیت (ع) و پاسخ به شبهات، ص ۱۲۰- ۱۲۱)

ص:۵۴

خود قرآن می‌فرماید:«هُوَالَّذی بَعَثَ فِی الْأُمِّیِّینَ رَسُولاًمِنْهُمْ یَتْلُواعَلَیْهِمْ آیاتِهِ وَیُزَکِّیهِمْ وَیُعَلِّمُهُمُ الْکِتابَ وَالْحِکْمَهَ»(۱) ، از آیه استفاده می شود که «یَتْلُواعَلَیْهِمْ» یک وظیفه و «یُعَلِّمُهُمُالْکِتابَ» وظیفه-ی دوم است. اگر خواندن متن قرآن به تنهایی و بدون نیاز به مفسری که مفاهیم عالی قرآن را تبیین نماید، کافی باشد، دیگر «یُعَلِّمُهُمُالْکِتابَ» معنی ندارد.

اما آشنا به معارف قرآن چه کسی است؟ «إِنَّمَا یَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ»(۲) قطب الخطاب قرآن، خود پیامبر (ص) است. از اول «الم ذلِکَ الْکِتابُ» تا آخر «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» در تمام مقاطع مخاطب شخص رسول الله است و اگر جایی خداوند با مردم سخن دارد، به وسیله ی پیامبر این ابلاغ را انجام می دهد و با یک کلمه ی «قُلْ» این معنی را می رساند. پس قرآن به تنهایی به عنوان امانت به دست دیگران سپرده نشده است؛ بلکه قرآن امانتی است که با قید «یعلمهم

۱- جمعه/۲.

۲- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۸، ص ۳۱۲؛ الوافی، ج ۲۶، ص ۴۴۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۰.

ص:۵۵

الکتاب» و با قید عترت و یا سنت، به فرض آن که روایت «انی تارك فیکم الثقلین کتاب الله و سنتی»(۱) باشد، واگذار شده است.

اهل سنت بعد از صد سال منع از نقل حدیث، به این نتیجه رسیدند که دانشمند و فقیه نمی تواند بی نیاز از حدیث باشد و لو خلیفه ی دوم اعلام کرده باشد: «حسبنا کتاب الله»(۲) علمای عامه با تمام احترام و اعتقادی که نسبت به خلیفه ی دوم قائل بودند، قاعدتاً نباید کلام او را نقض کنند و کتاب بخاری و مسلم و غیر ذلك را بنویسند و «صحاح سته»(۳) را تنظیم کنند. ولی احساس کردند که نمی توانند از حدیث و سنت بی نیاز باشند.

تمسک جدی علامه به قرآن و روایات برای اصلاح جامعه

۱- - موطأ مالك با شرح سیوطی، ج۲، ص ۲۰۸؛ مستدرك حاكم، ج۱، ص ۹۳؛ روایت «کتاب الله و سنتی» هیچ سند صحیح و معتبری ندارد؛ زیرا این روایت را ۸ نفر از علمای اهل سنت نقل کرده اند که سند تمامی آنها ضعیف و خالی از اشکال نیست. (مرجعیت دینی اهل بیت (ع) ، ص ۱۵۵)

۲- صحیح بخاری، باب ۱۷، ح۱؛ صحیح مسلم، کتاب الوصیه، باب ۶، ح۸؛ صحیح بخاری، کتاب العلم، باب ۳۹، ح ۴.

۳- صحاح ستّه عبارتند از: ۱- صحیح بخاری، تألیف: ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری (م۲۵۶ق)؛ ۲- صحیح مسلم، تألیف: ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، (م ۲۶۱ق)؛ ۳- سنن ابن ماجه، تألیف: ابوعبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م۲۷۳ق)؛ ۴- سنن ابوداوود، تألیف: ابوداوود سلیمان بن اشعث سجستانی، (م ۲۷۵ق)؛ ۵- سنن تِرمذی، تألیف: ابوعیسی محمد بن عیسی ترمذی، (م ۲۷۹ق)؛ ۶-سنن نسایی، تألیف: ابوعبدالرحمان احمد بن شعیب نسایی، (م ۳۰۳ق).

ص:۵۶

علامه ی مجلسی احساس شان این است که برای اصلاح جامعه؛ هم تمسک به قرآن لازم است؛ هم تمسک به عترت که مبیّن قرآن هستند.

ایشان در متن مقـدمه ی بحار می فرماید: «من لمس کردم که گم شده های من در اخبار و احادیث اهل بیت (ع) است و جای دیگر خبری نیست. علت آن هم این است که علوم دیگران پشـتوانه ی وحی نـدارد و قابـل اعتماد نیست؛ ولی گفتار ائمه (ع) برای آن که پشـتوانه اش وحی است، قابل اعتماد می باشد، «إِنَّمَا یَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ»(۱) امتیاز ائمه هدی (ع) این است که گفتارشان از طریق مخاطب اصلی قرآن، مستند به وحی است و از خودشان چیزی نمی گویند.

۱- الکافی (ط - الإسلامیه)، ج ۸، ص ۳۱۲؛ الوافی، ج ۲۶، ص ۴۴۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۴۰.

ص:۵۷

امام باقر (ع) می فرمایند: «من هر چه می گویم از پدرم، هر چه پدرم می گوید از پدرش و هر چه او می گوید از پدرش و هر چه او می گوید از امیرالمؤمنین (ع) و هر چه امیرالمؤمنین (ع) می گوید از رسول خداست» و رسول خدا هم «وَمایَنْطِقُعَنِ الْهَوی* إِنْهُوَإِلَّاوَحْیٌ یُوحی*عَلَّمَهُ شَدیدُالْقُوی(۱)» امام باقر و ائمه دیگر ما (ع) از خودشان چیزی ندارند، تمام مستند به وحی است؛ پس گفتارشان تضمین دارد و بیمه شده است.»

مراحل استفاده ی صحیح از احادیث عترت طاهره (ع)

اشاره

برای استفاده از احادیث عترت طاهره چند کار حساس و اساسی باید انجام بگیرد:

الف- گردآوری احادیث

۱- نجم/ ۳- ۵. و از سر هوس سخن نمی گوید.* این سخن بجز وحیی که وحی می شود نیست. * آن را[فرشته] شدید القوی به او فرا آموخت.

ص:۵۸

كار اول، جمع آورى احاديث است كه خود ايشان در مقدمه ى بحار مى فرمايند: «كتب احاديث در سراسر نقاط اسلامى پراكنده و متشتت بود.» همّت نشده بود كه اين ها جمع آورى بشود.

مرحوم كلينى از اصول اربعمائه استفاده كرد، جمع آورى، گلچين و تبويب كرد، ولى اين تمام احاديث شيعه نبود، كتب ديگر هم بود و علامه مجلسى از قدرت و توان خود استفاده كردند و كتاب ها را از تمام نقاط كشورهاى اسلامى جمع كردند. اين خيلى كار عظيمى است. چقدر بايد سرمايه گذارى بشود تا اين مجموعه-ها از اقصى نقاط كشورها براى تفحص و تحقيق در اصفهان و نزد علامه مجلسى گردآورى گردد. تا انسان خودش براى جمع آورى مآخذ و مدارك اقدام نكند، متوجه نمى شود كه چه كار سنگين و پربارى است.

ب- تثبيت احاديث به وسيله ى اسناد

ص:۵۹

کار دوم، تثبیت احادیث به وسیله ی اسناد است. یک حدیث اگر مستند نباشد، اعتبار ندارد و برای مستند کردن روایات بایستی مرارت فراوانی را متحمل شد. اجازاتی که در این زمینه مطرح است واقعاً مسئله مهم و قابل تأملی است و بیان گر اهمیت نقش سند در حدیث است. به دست دادن پشتوانه و سند اخبار باعث اعتبار مجموعه و موجب اعتماد مراجعه کننده می شود. علامه در این باره کتاب رجال نوشته اند و موجب شگفتی است که این کتاب را داخل کجاوه، زمانی که از اصفهان به مشهد می رفتند، تدوین کرده اند.

ج – تبیین احادیث

کار سوم، مسأله تبیین احادیث است. فهم حدیث کاری بس مشکل است: «رحم الله من عرف معانی کلامنا؛ رحمت خدا بر کسی که درک کند ما چه می خواهیم بگوییم.»

نویسنده ای با استناد به حدیث «لا تطوفن بالقبور» به شیعه اشکال کرده بود که چرا دور قبر ائمه (ع) طواف می کنند. اما پس از بررسی دیدم روایت در باب احکام تخلّی نقل شده و طوف یعنی قضای حاجت.

ص:۶۰

این شخص، طوف را به معنای طواف گرفته بود، در حالی که معنای حدیث این است که: روی قبرها قضاء حاجت نکنید.

نفهمیدن لغت، کلام و مقاصد ائمه معصومین (ع) ، یک بلای بزرگی است و خسارت های سنگینی را به معارف اسلامی و انسانی وارد کرده است. از اول تا آخر بحار را انسان باید بخواند تا بداند تبیین به چه کیفیت انجام گرفته است.

نقل است: مرحوم آقا سید محمد صادق که از مدرسین بزرگ اصفهان و از شاگردان مبرز مرحوم آخوند خراسانی بوده اند (که بعضی نگارش متن کفایه را به ایشان نسبت می دهند، البته بیانات از مرحوم آخوند بوده) ایشان فرمودند: «علامه مجلسی شاگرد خانه یاهل بیت (ع) بوده، شاگرد خانه کسی است که زبان صاحب خانه را بهتر می فهمد، حتی ایماء و اشاره صاحب خانه را خوب درک می کند، و واقعاً این گونه است. وقتی انسان مراجعه می کند که ایشان آن اخبار مشکل را با چه قلم شیوا و رسایی تبیین کرده اند، بر علامه آفرین می گوید و این نیست مگر به سبب عشق و علاقه ی شدید مجلسی به ائمه ی اطهار (ع) که ایجاب می کند ایشان در احادیث ذوب بشود و معانی آن ها را لمس کند.

د- استفاده از قرآن برای سنجش احادیث

ص:۶۱

اما کار دیگری که می بایست انجام می گرفت، ارائه میزان برای قبول یا رد اخبار بود. میزان سنجش صحت و سقم یک حدیث، قرآن است. «هما لن یفترقا» و «اعرضوه علی القرآن ما وافق القرآن فخذوه و ما خالف القرآن فاضربوه علی الجدار.»

مرحوم علامه از روی بینش و درایت، وقتی می خواهند وارد یک باب و یک بحث بشوند، اول میزان را ذکر می کنند. بحار را برای مردم عادی نوشتند! بحار کتابی است برای استفاده ی دانشمندان، یعنی هنگام مطالعه ی بحار بایستی ابتدا به میزان توجه نمود و سپس با تأمل و تفکر، درباره ی حدیث قضاوت کرد، نه این که بدون توجه به میزان کسی به خود اجازه بدهد که به علامه دهن کجی کند و بنویسد «شلت یداک»(۱) و بگوید که چرا این روایت را نقل کردی. خدا می داند

۱- - تعجب ما از دکتر شریعتی است که در کتاب های «نامه ای به پدر» و «حسین وارث آدم» بسیار بر علامه حمله می برد به گونه ای که اشک از دیدگان خواننده جاری می شود. آری بنابر پرتو کتاب مصوب ۱۸۹۶ میلادی سران یهود عالم می گوید: «ما اراده قاطع نموده ایم که با استفاده از راه های گوناگون به شخصیت و احترام دانشمندان دینی لطمه وارد نماییم و آنان را از چشم مردم ساقط کنیم و این بهترین راه برای جلوگیری از موفقیت آنان در رسیدن به هدف ها و آرمان های رسالتشان می باشد». در اینجا دو جمله از او می آوریم: «من گاندی آتش پرست را بیشتر لایق شیعه بودن می دانم تا آیت الله بهبهانی و بدتر از او علامه مجلسی را و چه می-گویم؟ مجلسی سنی است و امام احمد حنبل ... از او شیعی-تر است.» با مخاطب های آشنا، ص (نامه ای به پدر)، ص ۱۲. «من تعجب می کنم که شما در نامه تان نوشته اید: اگر امثال مجلسی و دیگر ملاهای درباری را در عصر صفویه برای عملی که در ظاهر به نظر خلاف می آید، بدون در نظر گرفتن شرایط زمان تخطئه کنیم ... برای شیعه چه و که می ماند.» همان، ص ۱۰.

ص:۶۲

که چه ظلمی به علامه ی مجلسی شـده است. این قـدر یک انسان احتیاط را بکنـد، با دقت و سـبکی عجیب اسـناد را بررسـی کند، حـدیث را تبیین کنـد، میزان و مقیـاس هم قرار بدهـد، تـازه مورد اهـانت قرار بگیرد. این ظلم است و چه ظلمی از این بالاـتر به یک محقق و نویسـنده ی اسـلامی، خـدا کنـد کنگره ای تشـکیل بشود فقـط برای دفـاع از حریم علامه ی مجلسـی، همان طور که موالی مجلسی مظلوم بودند خود مجلسی هم مظلوم است.

۵- ترجمه ی احادیث

ص:۶۳

اما مرحله دیگر و کار آخر، ترجمه ی احادیث است. این احادیث باید در اختیار مردم قرار بگیرد و عموم مردم از آنها استفاده کنند، این هم کار بسیار مهم و بزرگی است. فکر نکنید ترجمه کردن کار آسانی است، ما در زبان فارسی بسیار کم تر از زبان عربی لغت داریم، آیا می توان در سده ی یازدهم نثر ترجمه شده و سلیس فارسی را به این دقت پیدا کرد.

توفیق علامه در اصلاح جامعه

در خاتمه، عبارت «زهرالربیع» مرحوم سید نعمت الله جزایری را، که از معاصران علامه بوده اند نقل می کنم، ایشان می فرمایند: «شاه می خواست برای خودش ولی عهد معین کند و موفق نشد: «فلم یتفق له ما اراده، نعم اتفق لولده السلطان المؤید الشاه سلیمان نصره الله تعالی الی آخر الزمان فانه عیّن فی هذا الوقت شیخنا المحقق المحدث صاحب بحارالانوار المشتمل علی ما یقرب من ثلاثین مجلدتً شیخ الاسلام و رُجعت الیه الاحکام الشرعیه فقام بها و بالامر بالمعروف و النهی عن المنکر، فکسر الاصنام التی کانت تعبد وارق الخمور و احرق الحشیشه و نحوها من المحرمات و الحمدلله علی رجوع الامر الی اهله بما تمادی

ص:۶۴

السنین و الاعوام.» از این عبارت توفیق علامه در مبارزه با مظاهر شرک، نفاق و مفاسد اجتماعی از جمله اعتیاد به مواد مخدر و مسکرات روشن می شود.

قوه ی اجرایی علامه برای اجرای طرح خود

برای هر مُصلحی که بخواهد در جامعه اصلاح بکند، طرح و قوه ی اجرایی لازم است. علامه طرحش را از قرآن و اهل بیت (ع) گرفت. حالا قضاوت کنید که آیا برای قوه ی اجرایی سراغ سلطان در دستگاه حکومت برود یا نرود؟ اگر در دستگاه حکومت نرود، قوه ی مجریه ندارد، قوه مجریه نداشته باشد، نمی تواند علوم اهل بیت (ع) را اجرا کند و جامعه را اصلاح نماید. اگر شما هم به جای علامه مجلسی بودید، زمان اقتضا می کرد که از آن قوه ی مجریه استفاده کنید تا بتوانید این برنامه ها را اجرا کنید.

امیدوارم خداوند به ما توفیق بدهد از برکات علامه مجلسی – رضوان الله تعالی علیه- استفاده کنیم و امیدوارم ان شاء الله در فرصت های دیگر خدمات علامه به تفصیل معرفی شود.(۱)

خدمات علامه مجلسی به جامعه تشیّع

خدمات علامه مجلسی به جامعه تشیع(۲)

۱- یادنامه ی مجلسی، ج۳، ص ۳۰۵ تا ۳۱۰.

۲- به پیروی از سخن استاد بزرگوار که فرمودند: امیدوارم ان شاء الله در فرصت های دیگر خدمات علامه به تفصیل معرفی شود در این قسمت از کتاب خدمات علامه را به جامعه تشیّع می آوریم.

ص:۶۵

بدون تردید علامه مجلسی از نادر کسانی بود که خداند او را برای حفظ آثار و معارف مکتب اهل بیت رسالت (ع) برانگیخت، چنانکه تاریخ شیعه مانند او را کمتر به خود دیده است. مسلماً اگر خدمات و اقدامات ارزنده ی او نبود فرهنگ شیعه امروز بدین حد از شکوفایی و عظمت نرسیده بود. اینک به منظور آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز به پاره ای از خدمات و زحمات گرانبهای این فقید علم و فرهنگ، نگاهی گذرا می افکنیم.

۱) در هم شکستن هیبت و صولت صوفیه:

در دوران صفویه، صوفیه قدرتی فراگیر به دست آورده بودند و پادشاهان این خاندان از آنجا که به هر دلیل سیاسی یا اعتقادی و ... به وجود آنان نیاز مبرمی داشتند. گذشته از آن که از پیشرفت و نفوذ آنان جلوگیری نمی کردند، حتی به آنان پروبالی داده و پشتیبانی شایانی نیز از آنها به عمل می آوردند؛ زیرا از نفوذ معنوی آنها در میان مردم بهره

برداری سیاسی می کردند. درست همان گونه که سلاطین عثمانی از سلسله نقشبندیه و دراویش بکتاشیه استفاده میکردند؛ ولی گسترش افکار و نفوذ اجتماعی آنان در کشور، اندراس و در نهایت برچیده شدن معارف پربار اهل بیت رسول خدا (ص) را در پی داشت، درست در همین مقطع خطرناك و حساس تاریخ شیعه بود که وجود دانشمندی توانا، آگاه، شجاع و دارای احاطه ای وسیع و عمیق به فرهنگ و آثار ائمه طاهرین (ع) ، لازم می نمود که به پا خیزد و با این گونه افکار بی محتوا و منحرف به مبارزه پرداخته و راه را برای اعتبار بخشیدن دوباره به تشیع و شعائر اسلامی هموار نماید و در این راه از هیچ قدرتی اعم از سلاطین وقت و کارشکنی اطرافیان آنان و جهل و تعصب عامه ی مردم و تحریکات شیوخ صوفیه و ... نهراسد و این حقیقتی است انکارناپذیر که برای این امر خطیر، کسی جز علامه مجلسی ساخته و پرداخته نشده بود که به خوبی از عهده ی کار برآمده و صولت روز افزون آنان را در هم شکست.(۱)

۲) تألیف دائره المعارف بزرگ بحارالانوار

۱- برای اطلاع از گفتار علامه (درباره صوفیه): اول رساله ی اعتقادات؛ حق الیقین، صفت هفتم از صفات سلبیه خداوند؛ عین الحیوه، لمعه هشتم و مصباح پنجم رجوع کنید.

ص:۶۷

جمع آوری و موضوع بندی و تبویب و تقسیم اخبار و احادیث همراه با آیات متناسب با آنها در این مجموعه ی حدیثی و نقل اقوال مفسرین و جرح و تعدیل گفتار حکما و متکلمین در آن و انتقال قرآن و حدیث به نسل های آینده، او با این عمل خود معارف اصیل تشیع را از خطر از بین رفتن، رهایی بخشید و به وسیله ی نقل از جوامع حدیث شیعه و یا نسخه برداری و گنجانیدن عین آنها در لابلای بحار به احیای آثار سلف صالح اقدام شایسته ای نمود و بسیاری از آنها را از خطر فراموشی و انهدام نجات داد.

۳)- به تدریس کتب حدیث و حل مشکلات آنها پرداخت.

۴)- به تربیت و آموزش بیش از یک هزار تن از علما که هر کدام بعد از وی در بخشی از سرزمین های پهناور اسلامی، رهبری دینی مردم را به عهده گرفتند، اقدام نموده و با بیانات و تألیفات خود خلق بسیار را از گرداب هلاکت رهایی بخشید.

۵)- در موضوعات گوناگون معارف اسلامی: فقه، تفسیر، کلام، حدیث، تاریخ، دعا و ... دست به تألیف کتابهای بی شماری زد.

۶)- با ایراد سخنرانی های ارزنده و مداوم در مراکز مذهبی و مساجد شخصاً به ارشاد و هدایت عامه ی مردم اقدام فرمود.

ص:۶۸

۷)- با اقامه ی نماز جمعه، جماعت، رونق مساجد، محافل مذهبی و نوسازی و بنای مساجد توجه شایانی مبذول می داشت.

۸)- با بیانی ساده و در خور فهم عامه ی مردم، به سؤالات آنان جواب داده و نکات مبهم مشکلات آنان را حل می نمود.

۹)- برای حل معضلات کتب اربعه شیعه که مدار عمل امامیه بر آن قرار گرفته است، توجه و حساسیت خاصی از خود نشان می داد چنانکه به کافی و تهذیب شرح نوشت.

۱۰)- ترجمه و نشر معارف اهل بیت (ع) به زبان ساده ی فارسی، برای مردمی که تازه با تشیع و معارف ائمه هدی (ع) آشنا شده، ولی به دلیل عربی بودن مصادر و منابع از استفاده ی آنها محروم بودند.

۱۱)- جایگزین ساختن مجالس وعظ و امر به معروف و نهی از منکر با قهوه خانه ها و میخانه ها و بت خانه که در آن روزگار بسیار شایع و محل تجمع مردم آن عصر شده بود.

۱۲)- استفاده از موقعیت و نفوذ خود برای پشتیبانی و دفاع از ستمدیدگان در برابر ستمکران و استیفاء حقوق آنان.

ص:۶۹

۱۳)- تأمین احتیاجات مردم و قبول عرایض و رسیدگی به امور آنان.(۱)

منابع و مآخذ

۱- مقدمه کتاب حق الیقین، زندگی نامه علامه به قلم: ناصرالدین انصاری، ص ۱۵- ۱۷.

ص:۷۰

●قرآن کریم

۱.بحارلانوار، مجلسی، محمد باقر، دارالحیات التراث العربی-بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ه.ق.

۲.حق الیقین، مجلسی محمد باقر، نشر ذوی القربی، چاپ اول.

۳.صحیح بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بخاری، تحقیق صدقی جمیل العطار، دارالفکر بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۵ م.

۴.صحیح مسلم، ابوالحسن مسلم بن حجاج نیشابوری، تحقیق صدقی جمیل العطار، دارالفکر بیروت، چاپ اول، ۲۰۰۴ م.

۵.الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.

۶.کشف الغمه،اربلی، علی بن عیسی، بنی هاشمی، تبریز، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ق.

۷.مرجعیت دینی اهل بیت (ع) و پاسخ به شبهات، رضوانی علی اصغر ، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۵ش.

۸.معالم الاصول، حسن بن الشهید الثانی، دارالفکر، قم، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ق.

ص:۷۱

۹.الوافی، فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، کتابخانه امیر المومنین علیه السلام، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه.ق.

۱۰.یادنامه علامه مجلسی، مهدی مهریزی و هادی ربانی، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹